

به وضعیت اسفبار درون زندانها رسیدگی کنید!

یکشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۰ - ۲۹ می ۲۰۱۱

✖ اخبار بسیار تکان دهنده ای که گهگاه از داخل زندانهای جمهوری اسلامی به بیرون راه می یابد حاکی از فجایع انسانی بی شماری است که هر روز در داخل بسیاری از زندانهای کوچک و بزرگ این سرزمین از زندانهای معروف تا اسارتگاههای کمتر شناخته شده و دور افتاده آن روی می نماید، به طوری که هیچ انسان آزاده ای نمی تواند در مقابل آن سکوت اختیار کند.

بنا به بسیاری گفته ها و نوشته های برجا مانده از درون زندانها اعدامهای ساختگی، تجاوز جنسی، کشیدن ناخن، فرو بردن سر زندانی در کاسه توالت، تهاجم سگ های وحشی، شکنجه بستگان در مقابل چشم زندانی، خوراندن داروهای روان گردان تا حد زندگی گیاهی، بازجویی های طولانی با بدنی برهنه، تحقیر های جنسی، شلاق، محرومیت از خواب، حبس در قفس های تنگ، سلولهای های انفرادی طولانی مدت، تهدید، تطمیع و دروغ از شکنجه های جسمی و روحی متداول در حکومت جمهوری اسلامی در طول سالهاست.

اما شکنجه زندانیان سیاسی برای وادار کردن آنان به اعترافاتی ساختگی، تنها بخشی از این جنایات است، حال آنکه آنچه شبانه روز در بسیاری از این "ندامتگاهها" بر زندانیان عادی و سیاسی از زن و مرد تا پیر و نوجوان، می گذرد خود جریانی است به نهایت تأسف بار و بدور از شأن انسانی.

افشاگری های زندانیان سیاسی، از جمله نامه های برخی از زندانیان که بخشی از آنها به بیرون راه یافته است خبر از عمق فجایعی دارد که در زندان های جمهوری اسلامی به وفور رخ می دهد. نامه هایی که این زندانیان

با از خود گذشتگی تمام تلاش می کنند آنها را حتی به قیمت جان خود به اطلاع انسان هایی در آن سوی دیوارها برسانند، با این کوره امید که شاید گوشه برای شنیدن و دستی برای یاری بیابند.

دومین نامه تکان دهنده مهدی محمودیان ** روزنامه نگار زندانی در حالی منتشر میشود که وی همچنان تاوان نخستین نامه افشا گرانه خود را از فجایع بازداشتگاه کهریزک پس می دهد و در پی نامه دوم نیز به حبس انفرادی محکوم و بدنبال اعتصاب غذای خشک راهی بیمارستان شد. کهریزک یکی از بازداشتگاه هایی بود که خصوصا از بازداشت شدگان تظاهرات خیابانی تابستان ۱۳۸۸ طی مدت کوتاهی چندین قربانی گرفت. گرچه حکومت جمهوری اسلامی تلاش کرد تا با تعطیل این بازداشتگاه و ظاهراً با مجازات چند تن از عاملان پایین دست این

جنایات پرونده این رسوایی را در دادگاه‌هایی غیر علنی ببندد ، اما فجایعی بزرگتر از کهریزک هر روزه هزاران زندانی عادی و سیاسی را در بسیاری از زندانهای جمهوری اسلامی با مرگ تدریجی روبرو ساخته است.

مهدی محمودیان در دومین نامه خود از زندان رجایی شهر به گوشه ای از وضعیت اسفبار زندانیان اشاره کرده ضمن افشای بسیاری شکنجه گری های وحشیانه، شرایط غیر انسانی حاکم در این زندانها را توصیف می کند. فعالیت گسترده باند های مواد مخدر، سهل الوصول بودن این مواد و گسترش روز افزون اعتیاد، در کنار تجاوز های جنسی بسیار متداول و خرید و فروش افراد برای سوء استفاده های جنسی، منجر به شیوع وحشتناک بیماریهای ایدز و هپاتیت در میان زندانیان شده است .

سید ضیاء نبوی دانشجوی محروم از تحصیل نیز که به ده سال حبس در تبعید محکوم شده است در دوران اسارت خود در زندان کارون اهواز از شرایط اسفبار حاکم بر این زندان خبر میدهد. در این محل که بیش از سه برابر ظرفیت ، زندانی در آن گنجانده شده یک سوم زندانیان در سالن روی کف زمین می خوابند و یک سوم آنان در تابستان و زمستان در حیاطی تنگ شب را به روز می‌رسانند که به هنگام بارندگی ناچار به حمام و توالت نیز پناه می‌برند. رقت بار تر آنکه بدنبال هر بارندگی شدید فاضلاب نیز از کف حیاط که محل زندگی شبانه روزی آنان است بیرون زده زندانیان ناچارند با نشستن فاضلاب در همان بوی تعفن، همجوار با سوسکها و موشها در همان محل بخورند، بخوابند و “زندگی” کنند. و همه اینها در فضایی روی میدهد که در ساعات “هواخوری” در هر یک متر مربع آن سه زندانی در هم می‌لولند و سیگار می‌کشند . ” در ضمن سقف هواخوری نیز توسط میله گرد و تیر آهن هایی که به صورت مشبک به هم جوش داده شده پوشانده شده است که نتیجه مستقیم آن محدود شدن تبادل هوا با محیط اطراف و گرم شدن مضاعف هوا در گرمای جهنمی تابستان اهواز است، به گونه ای که حیاط زندان به مانند کوره پزخانه داغ می‌شود... از سویی این سقف مشبک لذت نگریستن به آسمان را که از معدود لذت های یک زندانی است سلب می‌کند و احساس حیوانی وحشی که در یک قفس نگهداری می‌شود را به زندانی می‌دهد” .

همچنین نامه افشاگرانه ۹ زندانی سیاسی - عقیدتی زن که اخیراً برای مدتی به زندان قرچک در بیابانی دور افتاده در ورامین منتقل شده بودند نیز ما را با حقایق بسیار وحشتناکی از وضعیت درون این زندان آشنا می‌کند. گرچه این زندانیان سیاسی هم اکنون به زندان های دیگری منتقل شده اند اما تصور اینکه هنوز زنان و دختران نوجوانی در این شرایط غیر انسانی به سر می‌برند بسیار دردناک است.

در این مرغداری قدیمی که بعنوان زندان مورد استفاده قرار می‌گیرد چندین برابر ظرفیت ، زندانی گنجانیده شده است که نه تنها با توم

و کتک و کشیدن ناخن تنبیه میشوند بلکه در وضعیت اسف بار بهداشتی بدون وجود سیستم تهویه هوا ، همچنان با گرسنگی و عدم امنیت جانی، روبرو هستند

در بخشی از این نامه آمده است:

" زندان قرچک ورامین شامل هفت سوله هر کدام به ظرفیت چند ده نفر است. در حالیکه بیش از ۲۰۰ زندانی درهریک نگهداری می شوند. عدم وجود کوچک ترین سیستم برای تهویه هوا و وضعیت اسف بار بهداشتی چنان است که بوی فاضلاب و شدت گازهای ناشی از آن برای بسیاری از زندانیان ناراحتی های تنفسی جدی به وجود آورده است. دو سرویس بهداشتی برای بیش از ۲۰۰ نفر و دو اتاق حمام برای همین تعداد از زندانیان در نظر گرفته شده. محدودیت های به وجود آمده به خاطر سرویس های بهداشتی، عملاً باعث شده است تا بسیاری از زندانیان از محیط سوله و مابین تخت ها به عنوان "سرویس بهداشتی" استفاده کنند. به دلیل نبود حتی یک شیر آب جداگانه زندانیان برای شستشوی لباس و ظروف خود نیز باید از همین حمام و سرویس بهداشتی استفاده کنند. روزانه به اصطلاح "سه وعده" غذایی در سلف سرویس این زندان ارائه می شود...که در هفته گذشته به دلیل کمبود جیره غذایی، چندین بار وعده نامبرده به بسیاری از زندانیان نرسید. وعده مذکور نیز اغلب دو قرص نان خشک و یک سیب زمینی، و یا مقدار بسیار اندکی ماکارونی را شامل می شود. از آنجا که بسیاری از زندانیان کم سن و سال حتی زیر ۱۸ سال نیز در این زندان نگهداری می شوند، به وضوح می توان مشکل سوء تغذیه جدی را در میان بسیاری از زندانیان مشاهده کرد...، بدنبال کمبود غذا ، درگیری های زیادی نیز برسر آن به وجود می آید. تا جایی که غذاخوری زندان از جانب زندانیان به طعنه "کتک خوری" نامیده می شود.."

آنچه از زندانهای شیراز نیز گهگاه به گوش میرسد اوضاع این زندانها را بسیار نگران کننده توصیف می کند. از جمله مرگ مشکوک رضا محمدی از فعالین سیاسی در زندان شیراز که پس از مدت ها بی خبری خانواده علت مرگ او "زمین افتادن در حمام" گزارش می شود در حالیکه علیرغم درخواست های مکرر خانواده نه تنها از تحویل جسد او خود داری می شود بلکه اطلاعات شیراز با بازداشت برادر رضا محمدی و گرفتن تعهد از خانواده وی آنها را تحت فشار قرار میدهند که به هیچ عنوان نباید خبری در این مورد پخش شود

و باز میشنویم از زندان سنندج در کردستان که چگونه بازجویان وزارت اطلاعات و پاسدارها فشارها، اذیت و آزارها و تحقیرها را بر علیه زندانیان سیاسی زندان سنندج به حد طاقت فرسائی رسانده گارد زندان بصورت متناوب به سلولهای زندانیان سیاسی یورش میبرند آنها را مورد ضرب و جرح و توهین قرار میدهند و حداقل وسایل شخصی زندانیان را تخریب کرده و یا با خود میبرند.

اخباری که از زندان وکیل آباد مشهد نیز میرسد نه تنها از اعدام های گسترده و گروهی روز افزون ، بلکه از گوشه ای از شرایط غیر

انسانی حاکم بر این زندان نیز پرده بر میدارد. سید هاشم خواستار، که نماینده معلمان در کانون صنفی فرهنگیان بوده است و هم اکنون در این زندان سر می برد، در نامه ای به رییس قوه قضاییه کشور جزییاتی را در خصوص وضعیت اسف بار این زندان مطرح کرده است. در این نامه آمده است که هم اکنون بیش از چهار برابر ظرفیت، زندانیان در شرایطی دوران محکومیت خود را می گذارند که از کمترین امکانات اولیه زندگی محروم هستند. این زندانی عقیدتی وضعیت زندان وکیل آباد مشهد را با «ارودگاه های مرگ هیتلر» مقایسه کرده است.

بطور کلی تراکم جمعیت، عدم رعایت اصل تفکیک مجرمین، نبود امنیت، فقدان شدید امکانات بهداشتی، عدم دسترسی به خدمات درمانی، عدم وجود و یا قطع غیر قانونی امکانات ارتباطی مانند روزنامه، رادیو، و حق تلفن و ملاقات... همگی نه تنها حاکی از عدم رعایت موازین آیین نامه اجرایی سازمان زندانها که زیر پا نهادن ابتدایی ترین حقوق انسانی به شمار رفته خود بخش بسیار کوچکی از موارد بیشمار نقض حقوق بشر در این کشور را تشکیل میدهد.

چگونه می توان شاهد بود که بهترین فرزندان ما در چنین شرایط هولناکی شبانه روز خود را به سر می کنند و خاموش ماند. اما اینک عمق فاجعه بسیار وحشتناک تر از این است که تنها برای آزادی فرزندانمان و دیگر زندانیان سیاسی - عقیدتی طلب دادرسی کنیم. آنچه در بسیاری زندانهای جمهوری اسلامی می گذرد به نابودی کشاندن شرافت انسانی است که وظیفه هر انسان آزاده ای است در مقابل آن بایستد.

مادران پارک لاله (مادران عزادار ایران) و حامیان شان ضمن پای فشاری بر تمامی خواستهای برحق همیشگی خود و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی- عقیدتی، خواستار آنند که تا تحقق این امر امنیت آنان حفظ شده، تمامی حقوق ایشان و دیگر زندانیان عادی در ایام حبس مطابق موازین زندانها رعایت، و زندانهای بدور از استانداردهای پذیرفته شده جهانی تعطیل شود. در این راه نیز همصدا با خانواده های زندانیان از تمامی مردم آزاده و نهادهای جهانی مدافع حقوق بشر تقاضا دارند تا ضمن حمایت از این خواستها حکومت جمهوری اسلامی را ملزم به رعایت تعهدات بین المللی خود در زمینه رعایت حقوق بشر برای شهروندان خود بنماید.

خواستار تعطیلی فوری کلیه زندانهای غیر قانونی و فاقد استاندارد، فراهم آوردن امکانات بهداشتی و رفاهی مناسب (با در نظر گرفتن نیازهای ویژه زنان و فرزندان آنها)، اجرای اصل تفکیک مجرمین و در نهایت رعایت کلیه حقوق اولیه همه زندانیان- چه زندانیان سیاسی، چه غیر سیاسی- شدند.

مادران پارک لاله (مادران عزادار ایران)

حامیان مادران پارک لاله/اسلو

حامیان مادران پارک لاله/ ایتالیا

حامیان مادران پارک لاله/هامبورگ
حامیان مادران پارک لاله/مادران صلح دورتموند
حامیان مادران پارک لاله/ژنو
حامیان مادران پارک لاله/فرانکفورت
حامیان مادران پارک لاله/لس آنجلس-ولی
حامیان مادران پارک لاله/وین

رونوشت به:

کمیساریای عالی حقوق بشر
کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا
سازمان عفو بین الملل